

گفت و گوی صبا با علیرضا نراقی

منتقد و فیلمساز

مخاطب به سینما فرجه می‌دهد



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

مختلفی اعم از کانال‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای و... به صورت قاچاق پخش می‌شود. با این حساب نمی‌توان استقبال از یک اثر و دیده یا ندیده شدن آن را به طور دقیق پایش کرد و آمار دقیقی ارائه داد. در ایران فضای سرگرم کننده محدودی وجود دارد و به همین دلیل مردم خیلی انتخاب کننده نیستند و هر روز در مواجهه با پدیده‌هایی هستند که برای پر کردن زمان‌شان مجبور به استفاده از آن‌ها هستند. به همین خاطر عمده تولیدکنندگان برای ساخت یک اثر با کیفیت انگیزه‌مند نیستند. اساسا در تولید فیلم، پائین ترین دستمزد را به فیلمنامه نویس می‌دهند. علاوه بر این تربیت فیلمنامه نویس در آموزشگاه‌ها و دانشکده‌های ما منطبق بر شیوه‌های بسیار کهنه و قدیمی است و از آموزش‌های به روز فیلمنامه نویسی دنیا در دانشگاه‌های ما خبری نیست. تهیه کنندگان هم به جای فیلمنامه بیشتر به دنبال باز یگر چهره هستند. بارها دیده و یا حس شده که تنها بر مبنای ایده، گروهی شروع به ساخت اثر می‌کنند و این مسئله کاملا در پایان بندی سریال‌ها مشهود است.

آیا ممیزی های سازمانی هم می‌توانند بر روند فیلمنامه موثر باشند؟

ممیزی پدر سینمای ما را در آورده است و متأسفانه همیشه هم تاثیر خود را گذاشته است. از مرحله تنوع و پرورش ایده گرفته تا شکل مواجهه واقعی با ایده مخاطب سینمای ایرانی سال‌هاست که دارد به سینما فرجه می‌دهد، مجموعه‌ای از ساز و کارها و آداب روزمره غیرقابل باور را می‌بیند و مجبور است باور کند تا بتواند با داستان همراه شود! مشخصا در حوزه نظارت و دخالت بیشترین لطمه به نوشتار متن وارد می‌شود. چرا که در بخش فنی و صنعتی، دوستان تصویر بردار و صدا از بهترین دوربین‌های جهان و امکانات صدا بهره می‌جویند و به همین دلیل آثار سینمایی و... مادر تعامل و تناظری منطقی با جهان هستند، در حالی که همین امکانات بیانی برای نویسنده در پرداخت و پرورش ایده وجود ندارد.

به نظر من این تلقی بیشتر در حد تعارفاتی است که ما در ذهنیت خود با گذشته داریم و احساس می‌کنیم که برای حفظ این ادبیات غنی باید آن را در قالب رسانه دیگری قوام بخشیم.

به نظر تان اصولا دانش اقتباسی از منابع ادبی را نداریم یا منابع ادبی قابلیت و جنبه های نمایشی لازم را برای فیلم شدن و... ندارند؟

دانش اقتباس گستره وسیعی را در خود دارد که خیلی نمی‌توان درباره آن دقیق صحبت کرد و علاوه بر آن نیز زمینه‌هایش در ادبیات ما محدود است. در واقع به این خاطر که سازو کار تولید در کشور ما منسجم و مشخص نیست، اصولا حلقه‌ای از نویسندگان که باید به دنبال اقتباس اثر در قالب یک تیم همراه و منسجم باشند، در ایران وجود ندارند. اقتباس از آثار ادبی مستلزم یک کار گروهی است و نیاز به حمایتی همه جانبه دارد.

عموما فیلم‌ها در ایران بر مبنای علایق شخصی و یا سفارشی ساخته می‌شوند. به نظرم اگر در حلقه نویسندگان جمعی دهه ۴۰ خود غلامحسین ساعدی حضور نداشت، شاید اصلا همان اقتباس‌ها هم از اثرش صورت نمی‌گرفت. بنابراین وجوه این مسئله در زیر شاخه‌های متعددی وابسته و تنیده است و نمی‌شود به همین راحتی به اقتباس رجوع داشت.

عدم رضایت عموم مخاطبان از تولیدات امروزی در سینما، تلویزیون و همچنین شبکه نمایش های خانگی بیشتر به واسطه نبود قصه و یا داستانی کشش دار است که بتواند پاسخگوی احتیاجات روحی و روانی آن‌ها باشد. با این حساب چگونه می‌توانیم بستر سازی مناسبی داشته باشیم که در حوزه فیلمنامه و متن قوی تر عمل کنیم؟

به نظر من رضایتمندی و ناراضیتی مردم ایران از تولیدات داخلی به طور دقیق قابل آمار گیری نیست. همان‌طور که می‌دانید بحث کپی‌رایت در ایران رعایت نمی‌شود و آثار در شبکه‌های

سهمیه خاتون - علیرضا نراقی از سال ۱۳۸۷ با نقد تئاتر، فیلم و سینما کار خود را با رسانه آغاز کرده است. او همچنین دستی بر نویسندگی نمایشنامه و کارگردانی تئاتر و فیلم کوتاه نیز دارد. خبرنگار صبا با موضوع چالشی اقتباس ادبی و فیلمنامه نویسی با او به گفت و گو نشست. در ادامه با ما همراه باشید

ابتدا بگویید جایگاه خود را بیشتر به کدام خاستگاه هنری وابسته می‌دانید؟

در رسانه بیشتر به عنوان منتقد فیلم مرا می‌شناسند اما در تجربه شخصی، چندسالی است که بیشتر در حوزه فیلمسازی تمرکز کرده‌ام.

دیربازی است که منادیان رسانه در ایران به مسئله اقتباس ادبی توجه ویژه ای دارند و معتقدند با توجه به پس زمینه غنی که در آثار ادبیات کهن ایران وجود دارد، لزوم و به کارگیری بیش از پیش این آثار در عرصه رسانه و تصویر احساس می‌شود، نظر تان درباره این مسئله را با ما در میان بگذارید؟

این مسئله پیش فرضی است که همواره وجود دارد، اما به نظر من باید قدری در همین پیش فرض تامل کرد. اینکه ادبیات ما از لحاظ تاریخی در فرم و محتوا غنی است، کاملا درست است. اما اینکه این محتوا تا چه اندازه قابلیت تصویری و نمایشی شدن و تبدیل شدن به رسانه‌ای دیگر شدن دارد جای بحث دارد. باید دید این ادبیات غنی تا چه اندازه زمینه و آمادگی لازم را برای تبدیل شدن به هنر تصویر متحرک و سینما دارد؟ صرفا تاریخ ادبیات کهن قوی داشتن منتهی به زمینه خوبی برای اقتباس ادبی نمی‌شود. چون اولاد ادبیات ما متکی بر مفاهیم و انتزاعاتی است که شاید سینما خیلی امکان بازنمایی آن را در قالب نمایشی نداشته باشد. این مسئله تا حدودی در باره ادبیات معاصر ما هم صدق می‌کند و

به زودی در سینماهای سراسر کشور

EXPEDIENCY

حاجت
محمدرضا شفا

فرهاد قالیچیان
ویدئو گرافیست
مدتی حسینیان
مهندس نوروزی
امیر لوروزی
تأثیر فرهادی

